

دوستان ردیفم سلام!

هرچه از اهمیت بخش ترجمه بگویم کم گفته‌ام! تست‌های فراوان و نکاتش، تأثیر مستقیم و غیرمستقیمش بر سؤالات عربی کنکور، و خب تعریبات هم، پسرموی^۱ ترجمه است! باید تکنیک‌ها، قیلق‌ها و شیوه‌هایشان را خوب یاد بگیریم تا بتوانیم نهایت استفاده را برده، امتیازش را کسب کنیم و اعتماد به نفسمان را برای بقیه سؤالات بالا ببریم. باشد که رستگار شویم!

خب! به‌طور کلی تست‌های ترجمه و تعریبات نظام جدید با نظام قدیم تفاوت‌هایی دارند؛ از **واژه‌محور شدن** بعضی تست‌ها بگیرد تا **شبیه شطرنج شدن** بعضی تست‌های نظام جدید و ...!

انگار دانش‌آموز برای بعضی تست‌ها باید ۳ - ۲ پلن در ذهن داشته باشد تا به طراح پاتک بزند. البته به این معنا نیست که لزوماً خیلی سخت شده باشند؛ بلکه باید نوع نگاهمان را کمی تغییر بدهیم. در نظام جدید - مثل نظام قدیم - تست آسان داریم، متوسط داریم، سخت داریم. و اینکه اصلاً ما در کتابمان از تست‌های نظام قدیم خوب و ایده‌دار هم استفاده کردیم و شما هم تست بزنید ازشان. خلاصه اینکه در این کتاب تمام استراتژی‌ها و راه‌حل‌ها را یاد بگیرید و صد البته زیاد تست بزنید و تحلیل کنید، فقط اینکه حواستان باشد که سراغ تست‌های استاندارد بروید!

گام اول؛ با چه روبه‌رو می‌شویم؟!

در تست‌های ترجمه و تعریبات سه مدل سؤال می‌بینید:

نست ۱ «بجب علينا أن نَطَهِّرَ قلوبنا من الشَّائِمْ حَتَّى نَرى جمال الحقیقة!»: (تهری ۱۵)

- ۱) بر ماست پاکیزه کردن قلب‌ها از بدی تا زیبایی حق را نظاره کنیم!
 - ۲) ما باید دل‌هایمان را از بدبینی پاک کنیم تا زیبایی حقیقت را ببینیم!
 - ۳) بر ماست که دل‌هایمان از بدبینی پاک شود تا جمال حقیقی را مشاهده کنیم!
 - ۴) پاکیزگی قلوب را از امور شوم بر ما واجب کرده‌اند تا شاید زیبایی حقیقت را بنگریم!
- که من اسمشان را گذاشته‌ام تست‌های ۱ به ۴ یا تک‌عبارتی. سهم زیادی در کنکور دارند و بیشتر رویشان مأنور می‌دهم!

این هم تعریبات:

نست ۲ «با خوش بینی به مسائل نگرستن است که بسیاری از مردم را به موفقیت رسانده» عین

الصحيح: (فارج از کشور ۹۲)

- ۱) النظر بالتفاؤل إلى كل أمر قد أوصل كثيراً من الناس إلى نجاحهم!
- ۲) الرؤية التفاؤلية إلى المسائل سبب أن يصل إلى النجاح كثير من الناس!
- ۳) الرؤية إلى المسائل بالتفاؤل هو الذي يصل به الكثير من الناس إلى نجاح!
- ۴) النظر إلى الأمور بالتفاؤل هو الذي قد أوصل الكثير من الناس إلى النجاح!

یک مدل دیگر، تست‌های ۴ به ۴ است:

۱. دخترعمو!

۲. صرفاً می‌خواهم مدل تست‌ها را ببینید! الان حلشان نمی‌کنیم!

۳. در نظام جدید، تست تعریبات ۴ به ۴ مطرح نشده!

(اقتصادی انسانی ۹۸)

کست؟ عین الخطأ:

- ۱) لا يَنْصُرُ المجرمون عند مواطنينا! نزد هم وطنان ما مجرمان یاری نمی شوند!
 - ۲) ذَنْبٌ حَتَّى الصَّحراءِ يُعَدُّ وسيلةً لِلصَّيْدِ! دم مار صحرا وسیله‌ای برای شکار به شمار می آید!
 - ۳) تُحْرَقُ رؤوسنا تحت أشعة الشمس المُستعرة! سرهایمان زیر اشعه خورشید سوزان می سوزد!
 - ۴) تُنتَجُ أشياء في المصانع نحتاج إليها! در کارخانه‌ها چیزهایی تولید می شود که به آن‌ها نیاز داریم!
- که البته زمان بیشتری می طلبند و به موقعش توضیح می دهیم باهانشان چه کنیم.
و این هم مدل آخر و البته جدید که در نظام جدید باب شده:

کست؟ عین الصحيح للفراغات:

«دراسة نفقة نقل النفط مهمة، قد تستخدم آلات تستغرق وقتاً أقل و هي أرخص!»: «..... هزینه انتقال نفت مهم است، گاهی وسایلی که وقت کمتری می گیرد و است!»

(اقتصادی انسانی فارغ از کشور ۹۹)

- ۱) برآورد / به کار می بریم / ارزان
 - ۲) بررسی / به کار برده می شود / ارزان تر
 - ۳) تحقیق کردن / به کار می بریم / ارزان تر
 - ۴) مطالعه کردن / به کار می برند / ارزان
- که من اسمشان را گذاشته ام تست های ضربتی!

کام دوم؛ چه باید بدانیم؟!

۱. قواعد

از قدیم الایام تعداد نسبتاً زیادی از تست های ترجمه و تعریب را می توان با تکنیک های قواعدی حل کرد:
الف) ابتدایی: دانستن یک سری نکات دم دستی و ساده:

کست؟ «قد تزینت الأرض في الربيع فتبتهج عيوئنا لما ننظر إليها!»: (تبریزی ۱۶)

- ۱) زمین در بهار آراسته گشته لذا هنگامی که به آن می نگریم، چشمان ما شاد می گردد!
 - ۲) زمین در بهار تزیین گشته لذا چشم ما را در زمان نگریستن به آن به وجد می آورد!
 - ۳) در فصل بهار زمین خود را مزین می کند لذا زمانی که به آن نگاه می کنیم چشم ها به وجد می آید!
 - ۴) در هنگام بهار زمین خود را می آراید لذا هنوز به آن نگاه نینداخته ایم که چشمانمان شاد می شود!
- «باسع»: در این تست کافی است بدانیم «قد + ماضی» معادل «ماضی نقلی» و «تُنظَرُ» فعل است نه اسم تا به جواب صحیح (گزینه ۱) برسیم!

ب) برای برخی دیگر از تست های ترجمه، به سطح پیشرفته تری از قواعد نیاز داریم:

کست؟ «من لم یکن له من ضمیره واعظ، فلن یكون له من عند الله حافظاً!»: (زبان ۹۳)

- ۱) هر کسی که از درون خویش او را هشدار نمی دهند، در نزد خداوند حافظی نخواهد داشت!
- ۲) کسی که واعظی او را از درون هشدار ندهد، نگهبانی هم از سوی خدا او را حفظ نخواهد کرد!
- ۳) اگر کسی از درون خود وعظکننده ای نداشت از نزد خدا حفظکننده ای او را حفظ نخواهد کرد!
- ۴) هر کس از درون خویش پنددهنده ای نداشته باشد، از جانب خداوند نگهدارنده ای نخواهد داشت!

ب) کان + لا + مضارع:

کان لا نکتُب: نمی نوشتیم

ج) لَمْ + مضارع تغییر یافته «کان» + مضارع:

لَمْ نَكُنْ نَكْتُبُ: نمی نوشتیم

ظنه آخری را خیلی جدی بگیرید.

کسب؟ «صرتُ ساکتاً لأنني لم أكن أعرف شيئاً عن الموضوع!»:

۱) ساکت شدم چون من چیزی درباره موضوع نمی دانم!

۲) ساکت هستم زیرا من درباره آن موضوع چیزی نمی دانم!

۳) ساکت بودم برای اینکه من چیز زیادی درباره موضوع ندانستم!

۴) ساکت شدم زیرا من درباره موضوع چیزی نمی دانستم!

پاسخ: «لم + مضارع تغییر یافته «کان» + مضارع» در عبارت سؤال چشمک می زند ← لَمْ أَكُنْ

أَعْرِفُ: نمی دانستم (گزینه «۴»)

تاریخ دوم

کان + مضارع: ماضی استمراری

ما + کان + مضارع

کان + لا + مضارع

ماضی استمراری منفی

لَمْ + مضارع تغییر یافته «کان» + مضارع

۲. «أَيْتٌ + ماضی» را می توان به شکل ماضی استمراری ترجمه کرد:

«لَيْتَنِي قَرَأْتُ دُرُوسِي جَيِّدًا: کاش من درس هایم را خوب می خواندم.

۳. اگر جمله وصفیه فعل مضارع باشد و قبلاً هم در عبارت فعل ماضی داشته باشیم، فعل مضارع

را غالباً به صورت ماضی استمراری ترجمه می کنیم:

«شاهدتُ طالبةً تُطالعُ مجلّةً في المكتبة:

ماضی اسم، مکره مضارع

(جمله وصفیه)

دانش آموزی را دیدم که مجله ای را در کتابخانه مطالعه می کرد.

کسب؟ «زائرانی را دیدم که به زیارت خانه خدا می رفتند!»:

۱) شاهدتُ زوّاراً يذهبون إلى زيارة بيت الله!

۲) نظرتُ في الزوّار يذهبون لزيارة بيت الله!

۳) رأيتُ زوّاراً ذهبوا لزيارة بيت الله!

۴) رأيتُ الزوّار ذهبوا إلى زيارة بيت الله!

پاسخ: در گزینه های «۲» و «۴»، «زائرانی» که نکره است به صورت معرفه آمده، در گزینه «۳» هم،

«ذهبوا» ماضی است؛ مضارع می خواهیم. (گزینه «۱»)

۱. می شود ماضی بعید هم ترجمه کرد که جلوتر خواهیم گفت!

۴. اگر جمله حالیه مان فعل مضارع باشد و یا جمله اسمیه‌ای باشد که خبرش فعل مضارع باشد و قبیش در عبارت فعل ماضی داشته باشیم:

﴿ رَجِعْ بابک من المدرسة و هو يَضْحَكُ ﴾ بابک از مدرسه بازگشت درحالی که می خندید.

ماضی صاحب حال فعل مضارع (مصرف) (فعل مضارع) (فعل مضارع - غیر جمله‌ای)

نکته: «دانش آموز را در اتاق دیدم درحالی که مطالعه می کرد!»:

۱) رأيتُ طالباً يُطالع في الغرفة!

۲) شاهدتُ الطالب في الغرفة و يُطالع!

۳) رأيتُ الطالب في الغرفة و هو يُطالع!

۴) شاهدتُ طالباً في الغرفة يُطالع!

﴿ پاسخ ﴾: «دانش آموز» معرفه است (رد گزینه‌های «۱» و «۴»). «في الغرفة» در گزینه «۱» در جای نادرستی از ترجمه آمده، در گزینه «۲»، «و + مبتدا + خبر» می خواهیم؛ مبتدایش جا مانده! پس گزینه «۳» صحیح است.

تابلوی سوم

فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع (جمله وصفیه): (غالباً) ماضی استمراری
فعل ماضی + اسم معرفه (صاحب حال) + فعل مضارع (جمله حالیه): (غالباً) ماضی استمراری

۵. فعل‌های ماضی را بعد از «لَوْ: اگر» به شکل‌های ماضی استمراری و ماضی بعید ترجمه می کنیم:
﴿ لو شاورتُ أصدقائي عن هذا الأمر نجحتُ: ﴾

اگر درباره این موضوع با دوستانم مشورت می کردم (مشورت کرده بودم)، موفق شده بودم (موفق می شدم).

نکته: ﴿ لو كنتُ فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك ﴾

۱) چنانچه سنگدل و بی رحم باشی حتماً از پیرامونت پراکنده می شوندا!

۲) چنانچه تندخو و سنگدل بودی، بی گمان از اطرافت پراکنده می شدند!

۳) اگر بی رحم و تندخو باشی، حتماً اطرافت را خالی می کردند!

۴) اگر تندخو و بی رحم بودی، بی گمان از پیرامونت پراکنده شده اند!

﴿ پاسخ ﴾: «كنتُ» خودش ماضی است و بعد از «لَوْ» هم که آمده؛ پس گزینه‌های «۱» و «۳» غلط اند، قرار شد فعل‌های ماضی را پس از «لَوْ» به صورت ماضی استمراری یا بعید ترجمه کنیم (رد گزینه «۴»). البته که گزینه‌ها، غلط‌های دیگری هم دارند. (گزینه «۲»)

تابلوی چهارم

لَوْ + ماضی + ماضی

ماضی استمراری + ماضی بعید (استمراری) (بعید)

۷. یادتان باشد این حرف «ی» (زیرش دو نقطه باشد)، «ای» خوانده می‌شود و یعنی قبلش کسره بوده و «ی» (زیرش دو نقطه نیست)، «آ» خوانده می‌شود و یعنی قبلش فتحه بوده! پس فعل‌های مضارعی که آخرشان «ی» باشد به‌هیچ‌وجه مجهول نیستند و فعل‌های مضارعی که به «ی» ختم شوند، خیلی مشکوک‌اند که مجهول باشند: **تُسَمِّي**: می‌نامیم (معلوم) **تُسَمِّي**: نامیده می‌شویم (مجهول) البته گفتم که ممکن است به «ی» ختم شوند و مجهول نباشند: **يُزَيِّدُ**: خشنود می‌شود (معلوم - لازم)

تسبیح؟ «المفردات التي دخلت العربية من لغات أخرى، تُسمى في اللغتين الفارسية و العربية، الكلمات الدخيلة»: (زبان ۹۹)

- ۱) واژگانی را که از دو زبان فارسی و عربی داخل یکدیگر می‌شوند، در هر زبان واژگان دخیل می‌نامند!
- ۲) مفرداتی که از زبان‌های دیگر در زبان عربی وارد شده، در دو زبان فارسی و عربی، کلمات دخیل نامیده می‌شوند!
- ۳) واژگانی را که در زبان عربی از زبان دیگری داخل می‌شود، در زبان‌های فارسی و عربی مفردات داخل شده می‌نامند!
- ۴) مفرداتی که از زبان عربی به زبان‌های دیگر وارد می‌شود، در زبان‌های فارسی و عربی مفردات وارد شده نامیده می‌شود!

باسع: «تُسَمِّي» را ببینید. آخرش «ی» دارد و با «ت» شروع شده! خودِ خودش است؛ مضارع مجهول (رد گزینۀ‌های «۱» و «۳»)، «دخلت» هم که ماضی است (رد گزینۀ «۴») به همین راحتی! جواب: گزینۀ «۲»!

تا بلوی هجدهم

در ترجمه حواستان به معلوم و مجهول بودن فعل‌ها باشد.

زمان پیشنهادی: ۲/۵ دقیقه

آزمونک «۲»

عَيْنُ الْأَنْسَبِ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (۵-۱):

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا! كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾: ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛

- ۱) بر شما روزه را مقدر کردند و نیز بر کسانی که قبل از شما بوده‌اند، باشد که از خدا بترسید!
- ۲) بر شما روزه را نوشته‌اند و بر کسانی که پیش از شما بودند، باشد که تقوای خدا پیشه کنید!
- ۳) روزه را بر شما واجب کرده‌اند، همان‌گونه که بر پیشینیان شما واجب کردند، تا شاید پرهیزکار شوید!
- ۴) روزه بر شما مقدر شده همان‌طور که بر کسانی که قبل از شما بوده‌اند مقدر شد، تا شاید تقوا پیشه کنید!

۲. «لا تَعِشْ فِي الْمَاضِي وَ مَا وَقَعَ فِيهِ حَتَّى لَا يُضَيِّعَ مُسْتَقْبَلُكَ!»:

۱ در گذشته و آنچه در آن رخ داده است زندگی مکن تا آیندهات تباه نشود!

۲ در گذشته‌ها و چیزهایی که در آن‌ها رخ داده بود زندگی مکن تا آینده تو ضایع نگردد!

۳ برای اینکه آینده خود را تباه نسازی، در گذشته و آنچه در آن روی داد، زندگی مکن!

۴ برای تباه نساختن آینده خویش، در گذشته و چیزی که در آن واقع می‌شود، زندگی منماید!

۳. «يُقَالُ إِنَّ هَذِهِ الْأَدْوَاتُ أُنتِجَتْ فِي مَصْنَعٍ كَبِيرٍ»: «.....» که این ابزارها در کارخانه بزرگی
..... عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاعِينِ:

۱ می‌گویند - تولید می‌شوند

۲ گفته می‌شود - تولید شده‌اند

۳ گفته شده - تولید شده‌اند

۴ گفته می‌شود - تولید می‌شدند

(ریاضی ۹۲)

۴. عَيْنَ الْخَطَأِ:

۱ کان آبی لا یتَرَكَ صَلَاةَ أَوَّلِ الْوَقْتِ أَبَدًا: پدرم هرگز نماز اول وقت را ترک نمی‌کرد،

۲ و یَقُولُ لَنَا دَائِمًا إِنَّمَا مِنْ وَصَايَا النَّبِيِّ (ص): و همواره به ما می‌گفت که آن از توصیه‌های پیامبر (ص) است،

۳ و قد قِيلَ عَنِ الصَّلَاةِ: حَافِظُوا عَلَى الصَّلَاةِ وَ تَقَرَّبُوا بِهَا: و در مورد نماز گفته شده: نماز را نگاه دارید و به وسیله آن تقرب بجویید،

۴ فاعلم أن كل شيء من عملك تبع لصلواتك! پس می‌دانی که هر چیزی از اعمال تو در گرو نماز است!

۵. «برای اینکه پیشرفت کنم، بسیار تلاش کردم!»:

۱ أَسْعَى كَثِيرًا لِأَتَقَدَّمَ! ۲ اجْتَهَدْتُ جَدًّا حَتَّى تَقَدَّمْتُ!

۳ لِأَتَقَدَّمَ كَثِيرًا أَحْوَلُ! ۴ لِأَتَقَدَّمَ حَاوَلْتُ كَثِيرًا!

پاسخ آزمونک «۲»

۱. گزینه «۴». «كُتِبَ» ماضی مجهول است که فقط در گزینه «۴» درست ترجمه شده! دو تا «كُتِبَ» هم داریم در آیه! اینجا معنای «نوشتن» نمی‌دهد. «واجب شدن» و این‌ها معنی می‌دهد!

۲. گزینه «۱». «لَا يُضَيِّعُ» مضارع مجهول است (رد گزینه «۳») و فعل است (رد گزینه «۴») و خب دلیلی ندارد «وَقَعَ» به صورت ماضی بعید ترجمه شود (رد گزینه «۲»). البته گزینه‌ها غلط‌های دیگری هم دارند.

۳. گزینه «۲». «يُقَالُ: كُتِبَ» مجهول «يَقُولُ: كُتِبَ» می‌گوید است. ضمناً «أُنْتِجَتْ» ماضی مجهول از باب «إفعال» است.

۴. گزینه «۴». «إِعْلَمُ: بِدَان» فعل امر است.

بعدها خواهیم گفت که چرا «يَقُولُ» در گزینه «۲» به صورت ماضی استمراری ترجمه شده! «قِيلَ» در گزینه «۳» را هم دریابید!

۵. گزینه «۴». از «برای اینکه پیشرفت کنم» می‌فهمیم که باید «لِ ناصبه + مضارع» داشته باشیم (رد گزینه‌های «۲» و «۳»). ضمناً اینکه «تلاش کردم» ماضی است (رد گزینه‌های «۱» و «۲»).

عَيْنُ الْخَطَا:

❑ الكَذَابُ كالسراب، يُبَعِّدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ! بسیار دروغگو همچون سراب است، با آن نزدیک بر تو دور می‌شود!

❑ لَا تَكُنْ مَمَّنْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ! از کسانی مباش که می‌گویند آنچه را که بدان عمل نمی‌کنند!
❑ لِأَلْتَمِزَ بِإِجْرَاءِ بَرْنَامَجِي الدِّرَاسِيّ اجتهدت کثیراً! برای اینکه به اجرای برنامهٔ درسی‌ام پایبند شوم، بسیار کوشش کردم!

❑ شَاهِدَتْ فِي طَرِيقِي سَيَّارَةً تَسِيرُ بِسُرْعَةٍ عَجِيبَةٍ! در راهم ماشینی را دیدم که با سرعتی عجیب حرکت می‌کرد!

۹. «يُحْكِي أَنْ رَجُلًا كَثِيرَ الْمَعَاصِي حَاوَلَ أَنْ يُصْلِحَ أَعْمَالَهُ السَّيِّئَةَ! که مردی پُرگناه تلاش کرد که کارهای بدش!»

عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاعِينِ:

❑ حكايت شده - اصلاح شود

❑ حكايت می‌شود - را اصلاح کند

❑ حكايت می‌کنند - را اصلاح کند

❑ حكايت شده - اصلاح شده باشد

۱۰. «زن مسلمان از خداوند برای گناهانش طلب آمرزش کرد و خداوند هم او را آمرزید!»

❑ الإمرأة المسلمة غفر الله لذنوبها فاستغفرها الله!

❑ المسلمة يستغفر الله لذنوبها فيغفرها الله!

❑ المرأة المسلمة تغفر لذنوبها الله فيستغفرها الله!

❑ المسلمة استغفرت الله لذنوبها فغفرها الله!

زمان پیشنهادی:
۵ دقیقه

آزمون ۳

عَيْنُ الْأَنْسَبِ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (۱۰ - ۱):

۱. ﴿أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ﴾

❑ آیا مگر ندانستند که فقط خداوند توبه را از بندگان پذیرفته است!

❑ چرا نفهمیده‌اند که تنها خداوند از بندگان توبه را قبول می‌کند!

❑ آیا ندانسته‌اند که تنها خداست که توبه را از بندگان می‌پذیرد!

❑ آیا نمی‌دانند که فقط خداوند است که توبه را از بندگان خود خواهد پذیرفت!

۲. «لَمْ أَكُنْ أَعْلَمُ أَنَّ بَعْضَ شِعْرَاءِنَا أَنْشَدُوا أَشْعَارًا مَمْزُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ وَالْفَارْسِيَّةِ!»

❑ نمی‌دانستم که بعضی شاعران ما، اشعاری آمیخته به عربی و فارسی سروده‌اند!

❑ نمی‌دانم که برخی از شعرا ما، اشعاری درآمیخته به عربی و فارسی می‌سرایند!

❑ ندانسته بودم که برخی شاعرانمان، اشعاری را آمیخته به عربی و فارسی سروده بودند!

❑ ندانسته‌ام که بعضی شعرايمان، اشعاری آمیخته به عربی و فارسی سروده‌اند!



۳. «لهذه المحافظة عدد كثير من المصانع، كما لها صناعات تُصنَع بيد الإنسان و قد كانت معروفة منذ القديم!»:

(زبان ۹۸)

- ۱ این استان تعداد بسیاری کارخانه دارد، همان‌طور که دارای صنایعی است که به دست انسان ساخته می‌شود و از قدیم معروف بوده است!
- ۲ این استان دارای تعدادی زیاد کارخانه است، همان‌طور که صنایعی دارد که با دست انسان ساخته شده است و از قدیم معروف شده بود!
- ۳ تعداد بسیاری کارخانه برای این استان است همان‌گونه که دارای صنعت‌هایی است که به دست انسان ساخته شده و از زمان‌های گذشته معروف شده بود!
- ۴ برای این استان تعدادی بسیار کارخانه است همان‌گونه که برای آن صنعت‌هایی است که با دست انسان ساخته می‌شد و از گذشته معروف بوده است!

۴. «يجب أن نقول لبعض الناس أنتم الذين لا تستطيعون أن تفقوا على رجلكم، فكيف تستطيعون أن تفقوا على قولكم!»:

(زبان ۹۶)

- ۱ باید به بعضی مردم بگوییم شما که نمی‌توانید روی پای خود بایستید، چگونه می‌توانید روی سخن خود بایستید!
- ۲ باید به برخی انسان‌ها این‌گونه گفت شما توان ایستادن بر روی پای خود را ندارید چطور بر روی حرف خود توان ایستادن دارید!
- ۳ واجب است به برخی از مردم گفته شود شما نتوانستید بر پای خود بایستید، پس به چه صورت می‌توانید بر حرف خود بایستید!
- ۴ ضروری است به بعضی از انسان‌ها چنین بگوییم شما که قادر بر ایستادن روی پا نیستید، چگونه بر سخن خود قدرت ایستادن دارید!

۵. «المفردات التي تدخل اللغة العربية من لغات أخرى و تتغير حروفها و أوزانها وفق اللغة العربية، تُسمى الكلمات المعربة!»:

(هنر ۹۸)

- ۱ واژگانی را که در زبان عربی از دیگر زبان‌ها داخل شده و حروف و وزن آن‌ها طبق زبان عربی درآمده است کلمات عربی شده نامیده‌اند!
- ۲ کلماتی که از زبان‌هایی دیگر وارد زبان عربی می‌شوند و حروف و اوزان آن‌ها طبق زبان عربی تغییر می‌کند، کلمات معرب نامیده می‌شوند!
- ۳ مفرداتی را که از زبان‌های دیگر وارد عربی می‌شوند و حرف‌ها و وزن‌های آن‌ها مطابق زبان عربی دگرگون می‌شوند، واژگان معرب نامیده‌اند!
- ۴ واژگانی که از زبان‌های دیگری داخل زبان عربی شده‌اند و حروف و اوزان آن‌ها مطابق با این زبان تغییر کرده واژگان عربی شده نامیده شده‌اند!

۶. «لتكون سعيداً يجب أن لا تحزن على ما فاتك!»:

- ۱ برای اینکه خوشبخت باشی، باید که بر آنچه از دست رفته، اندوهگین نشوی!
- ۲ باید خوشبخت باشی تا محزون نشوی بر آنچه از دستت می‌رود!
- ۳ برای اینکه خوشبخت شوی، لازم است تا ناراحت نباشی بر چیزی که از دستت می‌رود!
- ۴ باید خوشبخت باشی و بر آنچه از دست رفته، ناراحت نشوی!



۷. «سافر أخي مع صديقه إلى قرية لم يسمع اسمها!»:

- 1 برادرم و دوستش با هم به روستایی سفر کردند که اسمش را نشنیده بودند!
- 2 برادرم با دوستش به روستایی سفر کردند که نام آن را نمی شنیدند!
- 3 برادرم همراه با دوست خود به روستایی سفر کرد که نامش را نشنیده بود!
- 4 برادرم به همراه دوستش به روستایی سفر می کند که نامش را نشنیده است!

۸. عین الصحیح:

- 1 الصديق الحقيقي من يُهدي إليك عيوبك! دوست واقعی آن کسی است که تو را به عیب‌هایت راهنمایی می کند!
- 2 تجري الحكمة من القلب إلى اللسان إذا كان الإنسان مؤمناً! اگر انسان مؤمن باشد، حکمت را از قلب به زبان روانه می سازد!
- 3 سأتصل بمصلح السيارات لكي يأخذ سيارتي و يُصلحها! با تعمیرکار خودرو تماس خواهم گرفت تا ماشینم را ببرد و تعمیر شود!
- 4 زُرت الزوّار في المطار و هم يذهبون إلى مكة المكرمة! زائران را در فرودگاه دیدم درحالی که به مکه مکرمه می رفتند!

۹. عین الخطأ:

- 1 إذا أردنا أن لا نَتعبَ من المصائب، هرگاه بخواهیم که از مصیبت‌ها خسته نشویم،
- 2 فلنقبل أن لا نَحزَنَ أنفسنا بالمشاكل الجزئية: باید بپذیریم که درونمان با مشکلات جزئی ناراحت نشود،
- 3 و كلُّ مشاكل الدنيا للإنسان الذكي جزئية حقاً: و همه مشکلات دنیا برای انسان باهوش واقعاً جزئی است،
- 4 إن كُنّا من العقلاء لا نُصبحُ مُزعجين أبداً! اگر از عاقلان باشیم هرگز آزرده نمی شویم!

۱۰. «راضی ساختن همه مردم هدفی است که به دست نمی آید!»:

- 1 رضى كلِّ الناس هدف لا يُدرِك! إرضاء جميع الناس غاية لا تُدرِك!
- 2 إرضاء كلِّ الناس الهدف لا تُدرِك! رضى جميع الناس غاية لا تُدرِك!

پاسخ آزمون ۱

- ۱. «گزینه ۱» - «يُترَكَمُ» فعل (رد گزینه «۲») و مضارع است (رد گزینه «۳»؛ زمان فعل‌ها) ۲- «يَتَشَكَّلُ» در گزینه‌های «۳» و «۴» ناپدید شده (حذف و اضافه) و در گزینه «۲» به صورت متعدی ترجمه شده که اشتباه است (لازم و متعدی بودن فعل‌ها، معانی باب‌ها) ۳- «يُعَدُّ» به شمار می آید «مجهول و مفرد است (رد سایر گزینه‌ها). از آن دسته فعل‌های مجهولی است که در ترجمه‌اش «شد، گردید» نمی آید.
- ۲. «گزینه ۳» - «مَلَأَ» ماضی است که البته خب در اسلوب شرط می تواند به صورت مضارع ترجمه شود اما جایش در گزینه «۱» اشتباه است. ضمن اینکه متعدی است (رد گزینه «۲»؛ لازم و متعدی بودن فعل‌ها) و دلیلی ندارد به صورت ماضی التزامی ترجمه شود (رد گزینه «۴») ۲- «كان + مضارع» گاو خیلی خیلی پیشانی سفیدی است؛ «كان يعلم: می دانسته» (رد گزینه‌های «۱» و «۴»؛ زمان و ساختار فعل‌ها) ۳- «يُضَيِّعُ» فعل معلوم و متعدی است (رد گزینه‌های «۱» و «۴»؛ معلوم و مجهول بودن فعل‌ها). ضمناً معنایش هم «هدر رفتن» نیست (رد گزینه «۲»).

اینجا با هم نکات مهم‌تر بخش اسم‌ها را مرور می‌کنیم.

توضیح	نکته
<p>اسم‌های نکره را با «یک» یا «ی» ترجمه می‌کنیم.</p> <p>در ترجمه ترکیب‌های وصفی نکره، یا موصوف را نکره ترجمه می‌کنیم و یا صفت را.</p> <p>برخی اسم‌های نکره، به صورت نکره ترجمه نمی‌شوند (مثل خبر غیرموصوف، حال و ...)</p>	معرفه و نکره
<p>مفرد و مثنی و جمع را مشخصاً از هم جدا کرده، درست ترجمه کنیم.</p> <p>گاهی می‌توان اسم مثنی را در فارسی به صورت جمع هم آورد.</p> <p>معدود در فارسی مفرد ترجمه می‌شود، حتی اگر در عربی جمع باشد.</p>	تعداد اسم‌ها
<p>به تعداد و دور یا نزدیک بودن اسم اشاره در ترجمه دقت کنیم.</p> <p>اگر بعد از اسم اشاره، اسم مثنی یا جمع «ال» دار بیاید، اسم اشاره را مفرد ترجمه می‌کنیم؛ اما در مورد برعکس، اسم اشاره به همان صیغه خودش ترجمه می‌شود.</p> <p>برای جمع غیرعاقل از «هذه، تلك» استفاده می‌کنیم. اگر بعد از «هذه، تلك» جمع بدون «ال» بیاید، «این‌ها، آن‌ها» ترجمه‌شان می‌کنیم.</p>	اسم‌های اشاره
<p>به تعدادشان در ترجمه دقت کنیم.</p> <p>اگر «من» موصول در عبارت داشتیم، به فعل‌ها و اسم‌های بعدش دقت کنیم تا بدانیم «کسی که» ترجمه‌اش کنیم یا «کسانی که».</p> <p>اسم موصولی که بعد از اسم «ال» دار بیاید، به صورت «که» ترجمه می‌شود. در این مورد، اسم «ال» دار مدلی ترجمه می‌شود که انگار نکره است.</p>	موصولات
<p>هرکس ✓ من ← کسی که، آن‌که ✓ (اگر کسی X) کسانی که ✓</p> <p>هرچه ✓ ما ← آنچه ✓ (اگر چیزی X)</p> <p>هرگاه ✓ اذا ← اگر ✓ اگر ✓ اِنْ ← چنانچه ✓ (هرگاه X)</p>	ادات شرط (مَنْ، ما، إذا) + «اِنْ» که حرف است.

۱۳۳. «ضربان قلب انسان از زیباترین نعمات موسیقی در آفرینش هستی است!» عین الصحیح:

(قارج از کشور، ۹۶)

- 1. إِنَّ لِقَلْبِ الْإِنْسَانِ دَقَّاتٍ مِنْ أَحْسَنِ نِعْمَاتِ لِلْمَوْسِيقِيِّ فِي الْخَلْقَةِ الْعَالَمِيَّةِ!
- 2. تَكُونُ لِقَلْبِ الْإِنْسَانِ دَقَّاتٌ مِنْ أَحْسَنِ أَصْوَاتِ الْمَوْسِيقِيَّةِ فِي خَلْقِ الْعَالَمِ!
- 3. تَكُونُ دَقَّاتُ قَلْبِ الْإِنْسَانِ مِنْ أَجْمَلِ أَلْحَانِ الْمَوْسِيقِيَّةِ فِي عَالَمِ الْخَلْقَةِ!
- 4. إِنَّ دَقَّاتَ قَلْبِ الْإِنْسَانِ مِنْ أَجْمَلِ نِعْمَاتِ الْمَوْسِيقِيِّ فِي خَلْقَةِ الْعَالَمِ!

۱۳۴. «وقتی فقط بر دیگری اعتماد کنی هیچ‌گاه کار مهمی برای زندگی خود نخواهی کرد!»:

(ریاضی، ۹۷)

- 1. لَمَّا تَعْتَمِدْ عَلَى غَيْرِكَ فَقَطْ لَنْ تَعْمَلَ شَيْئاً مَهْماً لِلْحَيَاةِ بِنَفْسِكَ!
- 2. حِينَمَا لَا تَعْتَمِدُ إِلَّا عَلَى غَيْرِ نَفْسِكَ فَلَا تَعْمَلْ عَمَلاً هَامَماً لِحَيَاتِكَ أَبَداً!
- 3. عِنْدَمَا لَا تَعْتَمِدُ إِلَّا عَلَى غَيْرِكَ لَنْ تَعْمَلَ عَمَلاً مَهْماً لِحَيَاتِكَ أَبَداً!
- 4. حِينَ اعْتِمَادِكَ عَلَى غَيْرِ نَفْسِكَ فَقَطْ فَلَا تَعْمَلْ شَيْئاً هَامَماً لِحَيَاةِ نَفْسِكَ!

(زبان، ۸۷)

۱۳۵. «ثبتت علی حفظ العهود قلوبنا!» عین غیر المناسب فی المفهوم:

- 1. لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ!
- 2. الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ وَفَى!
- 3. إِنَّ الْوَفَاءَ سَجِيَّةُ الْمُؤْمِنِ!
- 4. مِنْ وَعْدِكَ فَقَدْ شَتَّلَكَ!

زمان پیشنهادی:
۶ دقیقه

آزمون جامع ۱۰ (تألیفی)

عین الأنسب في الجواب للترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (۱۵۰-۱۳۶):

۱۳۶. ﴿رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ پروردگارا ... :

- 1. آنچه را که هیچ توانی نسبت به آن نداریم، بر ما تحمیل منما!
- 2. بر ما تحمیل نکن چیزی را که توانش را نداریم!
- 3. آنچه را که هیچ‌یک از ما توانی بدان نداریم، بر ما تحمیل مکن!
- 4. چیزی را که توانش در ما نیست، هیچ‌گاه بر ما تحمیل نکن!

۱۳۷. «الفكر كالجسم كلاهما بحاجة الطعام أمّا طعام الفكر فهو الأهمّ فراقبوا ما تقرؤون من

الكتب مراقبة!»:

- 1. فکر مانند بدن می‌باشد، هر یک از این دو به غذا نیاز دارند، اما غذای فکر بااهمیت‌تر است پس مراقب آنچه از کتاب‌ها حتماً می‌خوانید باشید!
- 2. اندیشه همچون جسم است، هر دوی آن‌ها به غذا احتیاج دارند، ولی غذای فکر مهم‌تر است بنابراین حتماً مراقب آنچه از کتاب‌ها می‌خوانید باشید!
- 3. اندیشه به‌سان جسم می‌باشد، هر دوشان به غذا نیاز دارند ولی غذای فکر اهمیتش بیشتر است پس حتماً باید مراقب کتاب‌هایی که می‌خوانید باشید!
- 4. فکر همانند جسم به غذا احتیاج دارد و غذای فکر مهم‌تر می‌باشد پس مراقبت کنید از آنچه از کتاب‌ها حتماً می‌خوانید!

کرده است. واضح است که گزینه «۴» ربطی به عبارت سؤال ندارد.

۱۳۶. **گزینه ۱** «۱» - «لا»ی نفی جنس داریم (رد) گزینه‌های «۲» و «۴»؛ حروف سرنوشت‌ساز و اسمش «طاقة» است (رد گزینه «۳»؛ رعایت نقش‌ها) ۲- مفهوم «داشتن» (برگرفته از «لنا») در گزینه «۴» نیامده! ۳- «هیچ‌گاه» در گزینه «۴» اضافی است (حذف و اضافه)

۱۳۷. **گزینه ۲** «۱» - «کلا» در گزینه «۱» اشتباه ترجمه شده و در گزینه «۴» ناپدید شده (ترجمه درست واژگان، حذف و اضافه) ۲- «اما» در گزینه «۴» اشتباه ترجمه شده (جزئیات در ترجمه) ۳- «الاهم» در گزینه «۳» دقیق ترجمه نشده! ۴- «ما» و «مین» در گزینه «۳» حذف شده‌اند (حذف و اضافه) ۵- «مراقبة» مصدر «راقبوا» است (مفعول مطلق) و در ترجمه باید کنار این فعل بیاید (رد گزینه‌های «۱» و «۴»؛ رعایت نقش‌ها) ۶- در ترجمه فعل امر مخاطب از «باید» استفاده نمی‌کنیم (رد گزینه «۳»)

۱۳۸. **گزینه ۱** «۱» - «رضی، یرضی: راضی (خشنود) شدن»، «أرضی، یرضی: راضی (خشنود) کردن» (رد گزینه‌های «۳» و «۴») ۲- اسلوب حصر داریم اما دقت کنید که کَلَّ «برضاک» محصور است نه فقط ضمیر «ك» (رد گزینه «۲») ۳- «أعان، یُعین: یاری کردن»، «استعان، یستعین: یاری جستن» (رد گزینه «۲»؛ معانی باب‌ها). ضمناً کلمه «أعین» فعل (رد گزینه «۴») امر و از صیغه للمخاطب است (رد گزینه «۲»؛ صیغه فعل‌ها) ۴- «شور» جمع است (رد گزینه «۴»؛ مفرد و جمع بودن اسم‌ها) و اینجا معنای تفضیلی نمی‌دهد (رد گزینه «۳»)

۱۳۹. **گزینه ۳** «۱» - «یُحکی» مجهول است؛ با «ت» شروع شده و آخرش «ی» (بدون دو نقطه آمده) و خب مضارع مجهول است (رد گزینه‌های «۱» و «۴»؛ زمان فعل‌ها) ۲- «مشهوراً» صفت از نوع اسم است و دلیلی ندارد به‌صورت جمله ترجمه شود (رد گزینه

برگرداند، نباید راه برود / ۲) «یَجزِبُ، یندَم» تغییر ظاهری نداشته‌اند پس «من» موصول داریم نه «من» شرط، ضمناً «مَجزِباً» نکره است ← روزگار به ما فهماند که کسی که آزموده‌ای را می‌آزماید، پشیمان می‌شود. / ۳) زمانی که کوچک بودم را به یاد می‌آورم درحالی‌که همچون منجمان به آسمان علاقه داشتم (جمله‌حالیه داریم).

۱۳۱. **گزینه ۴** «أَمَّنْ» اینجا متعدی و «کم» مفعولش است ← شما را از ترس دشمنان ایمن کرد.

۱۳۲. **گزینه ۲** سته عشر: شانزده (تسعة عشر: نوزده). در سایر گزینه‌ها به عددها دقت کنید.

۱۳۳. **گزینه ۴** بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «لِ» در «لقلب» اضافی است و «دقات» باید مبتدا باشد (حذف و اضافه، رعایت نقش‌ها). «لِ» در «الموسیقی» اضافی است، أحسن (أجمل؛ ترجمه درست واژگان)، الخلقة العالمیة (خلقة العالم؛ آفرینش هستی) ترکیب اضافی است. / ۲) تَكون لِ، دقات (مانند «۱»)، أحسن (مانند «۱»)، الموسیقیتة (الموسیقی) ۳) الموسیقیتة (مانند «۲»)، عالم الخلقة (خلقة العالم)

۱۳۴. **گزینه ۳** بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) شیئاً (عملاً)، للحیة بنفسك (لحیاتك)، «هیچ‌گاه» تعریب نشده (حذف و اضافه) / ۲) حرف اضافه «علی» نیامده، لا تعمل (لن تعمل؛ «لن + مضارع: مستقبل منفی») / ۴) حین (حینما، لتا)، اعتمادك (تعتمد؛ فعل می‌خواهیم)، لا تعمل (مانند «۲»)، شیئاً (عملاً)، هیچ‌گاه (مانند «۱»)

۱۳۵. **گزینه ۴** ترجمه عبارت سؤال: «دل‌هایمان بر حفظ پیمان‌ها استوار شده است.» مفهوم ← وفاداری

ترجمه گزینه‌ها:

۱) هیچ دینی ندارد کسی که هیچ عهدی ندارد. / ۲) بزرگوار هرگاه وعده بدهد، وفا می‌کند. / ۳) وفاداری زندان مؤمن است. / ۴) کسی که به تو وعده می‌دهد، تو را مشغول